

DOI: 10.22111/jsse.2021.7205

Original Research

**Discourse Analysis of the Text of Nourbaran and Faraso
Local/Regional Publications
(Notions of Research on Tribalism in Mamasani Constituency)**

Hadi Aazami¹, Vahid Sadeghi² & Seyed Mohammad Hossein Hosseini³

Received: April 17,2021; Revised: May 15, 2021; Accepted: May 22, 2021

Abstract

Local publications play an important role in introducing the culture of places and geographical spaces, so that the analysis of the discourse of their text helps to have a deep understanding of the cultural and social layers of a society. In this regard, Faraso Quarterly and Nourbaran Monthly have taken a step towards introducing the culture of Mamasani due to raising local issues at the micro level, and since these publications can be effective in directing the public opinion of their audiences, compare their text in The context of sectarian discourse is very important in Mamasani constituency. In fact, the expression of different angles of the concept of sectarianism in these publications has a fundamental role in the direction of transformation in the tribal structure of Mamasani. With this approach, the present article has compared these publications using the method of discourse analysis during the five stages of surface-level, surface-depth, depth-surface, deep and deeper. In terms of methodology, the current research has analyzed the texts using the ideas and discourse literature as well as taking a critical approach to some of the orientations in some of these publications, rather than orienting them from a positive and interpretive perspective. The results of the discourse analysis of the articles published in Faraso quarterly and Nourbaran monthly show that despite the fundamental criticisms of the form and content of these publications, the idea of "confronting Tribalism in elections" and presenting this approach to the audience is the main goal of writers and trustees.

Keywords: Discourse Analysis, Faraso Quarterly, Nourbaran Monthly, Tribalism, Mamasani Constituency.

1. Associate Prof. of Political Geography, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: aazami@um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-9533-3515>

2 . Ph.D. in Political Geography, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author).

Email: va.sadeghi@mail.um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-9092-3324>

3. Ph.D. in International Relations, AllamehTabataba'i University; Tehran, Iran.

Email: mh.hosseini25@yahoo.com

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-5118-1759>

تحلیل گفتمان متن نشریات محلی / منطقه‌ای نورباران و فراسو

(گزاره‌های طایفه‌پژوهی در حوزه انتخابیه ممسنی)

هادی اعظمی^۱، وحید صادقی^۲ و سید محمد حسین حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

چکیده

نشریات محلی در معرفی فرهنگ مکان‌ها و فضاها و جغرافیایی نقش دارند، به‌گونه‌ای که تحلیل گفتمان متن آنها کمک شایانی به شناخت عمیق لایه‌های فرهنگی و اجتماعی یک جامعه می‌کند. نشریات فراسو و نورباران به دلیل مطرح ساختن موضوعات محلی در سطح خرد، گامی در جهت معرفی فرهنگ شهرستان ممسنی برداشته‌اند و از آنجا که این نشریات توانسته‌اند در جهت‌دهی به افکار عمومی مخاطبان خود تأثیرگذار باشند، مقایسه متن آنها در زمینه دال‌های گفتمانی طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی حائز اهمیت است. بیان زوایای مختلف مفهوم طایفه‌محوری در این نشریه‌ها نقش مهمی جهت دگردیسی در ساختار ایلی / عشیره‌ای شهرستان ممسنی دارد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان طی مراحل پنج‌گانه سطح - سطح، عمق - عمق - عمق - سطح، عمیق و عمیق‌تر به مقایسه این نشریات پرداخته است. از نظر روش شناخت، پژوهش کنونی بیش از آنکه از منظر پارادایم اثباتی و تفسیری به جهت‌گیری متون بپردازد، با کاربست انگاره‌ها و ادبیات گفتمانی و همچنین اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به برخی از جهت‌گیری‌های موجود در این نشریات به واکاوی آنها پرداخته است. نتایج تحلیل گفتمان مطالب منتشر شده در نشریات نامبرده نشان‌گر آن است که به‌رغم انتقادات اساسی وارده نسبت به فرم و درون‌مایه این نشریات، انگاره «تقابل با طایفه‌گرایی در انتخابات» و ارائه این رویکرد به مخاطبین، هدف عمده نویسندگان و متولیان این نشریات بوده است.

واژگان کلیدی: فصلنامه فراسو، ماهنامه نورباران، طایفه‌باوری، حوزه انتخابیه ممسنی.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ خراسان رضوی، ایران.

Email: aazami@um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-9533-3515>

۲. دکترای جغرافیای سیاسی و عضو هیئت تدریس گروه علوم جغرافیایی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

Email: va.sadeghi@mail.um.ac.ir

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-9092-3324>

۳. دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، ایران.

Email: mh.hossein25@yahoo.com

ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-5118-1759>

۱. مقدمه

بررسی و تحلیل مسائل اجتماعی سطح خرد مستلزم به‌کارگیری روش‌های تجربی است، ولی درک مفاهیم و معانی متن متضمن اتخاذ رویکردی گفتمانی است، زیرا قواعد زبانی موجود در یک متن را آشکار می‌سازد (Drid, 2010: 20). تحلیل گفتمان متن، سخنرانی، ادبیات اجتماعی و سیاسی در فهم اهداف اساسی فرهنگ‌ها، جوامع، اشخاص، سیاست‌مداران و سایر گروه‌های اجتماعی نقش قابل توجهی دارد. ممسنی به دلیل برخوردار از فرهنگ طایفه‌ای در ساختار اجتماعی و تأثیرگذاری آن بر روابط میان افراد و گروه‌ها، نشریات محلی از زاویه‌های گوناگونی به آن پرداخته و به انتشار مطالب پیرامون آن پرداخته‌اند. هر یک از این متون در درجه نخست به دنبال توصیف وضع موجود و سپس ارائه راهکار در زمینه‌های مختلف هستند. فراسو از سال ۱۳۸۷ طی شماره‌های متعدد به بررسی پرونده‌های ویژه در خصوص مسائل اجتماعی و سیاسی ممسنی پرداخته است به طوری که فراز و نشیب‌های فراوانی را در شماره‌های مختلف پشت سر گذاشته است، در برخی مواقع به سوی تحلیل مسائل کلان و ژست روشنفکرانه مبتنی بر گرایش‌های تحول‌خواهانه گام برداشته و در برخی مواقع عمدتاً به بررسی تحولات و وقایع محلی پرداخته است. پردازش متون محلی و چاپ آثار نگارندگان عرصه فرهنگ و اجتماع ممسنی در برخی شماره‌های فصلنامه فراسو تحت‌الشعاع متون مقیاس کلان - که در سایر مجله‌ها و اخبار روز نیز به آنها پرداخته می‌شود - و معرفی چهره‌های بومی مقیم کلانشهرها قرار گرفته و به نظر رسالت فصلنامه مبنی بر تبیین وقایع محلی، پاسداشت و یا انتقاد از ارزش‌های محلی و مکانی نسبتاً کم رنگ شده است. با این رهیافت که نگارش متن رویدادهای محلی معطوف به جغرافیای انسانی، اجتماعی و سیاسی ممسنی بهتر می‌تواند به روشنگری در عرصه عمومی بینجامد، شماره‌هایی از این فصلنامه در عرصه سیاست مختص به طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستند. ماهنامه نورباران که در سال ۱۳۹۰ برای نخستین بار به رشته تحریر درآمد، بیش از فصلنامه فراسو به انتشار حوادث و تحولات محلی پرداخته است در حالی که محتوای فصلنامه فراسو ماهیتی تحول‌خواهانه و دگراندیش دارد، به نظر نشریه نورباران از خط‌مشی محافظه‌کارانه برخوردار است. هرچند شیوه نگارش متن فصلنامه فراسو (ژورنالی و صفحات زیاد) و ماهنامه نورباران (ژورنالی و صفحات اندک) با یکدیگر متفاوت است، اما تبیین فرهنگ ایلی / عشیره‌ای در آنها می‌تواند راهگشا باشد. تحلیل گفتمان متن و جهت‌گیری نویسندگان و هیئت تحریریه این نشریه‌ها در خصوص مسئله طایفه‌گرایی در انتخابات بهتر می‌تواند رویکرد آنها را در قبال گرایش‌های محلی / طایفه‌ای عیان سازد.

۲. مفاهیم و مباحث نظری

۱-۲. تحلیل گفتمان

زلیگ هریس^۱ در سال ۱۹۵۲م. با بررسی واحدهای بزرگتر از «جمله» در کانون زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان را ارائه داد (منوچهری، ۱۳۹۲: ۱۰۴). تحلیل گفتمان نزد زلیگ هریس روشی برای تحلیل گفتار یا نوشتار پیوسته است که به معنای بسط زبان‌شناسی توصیفی به ورای محدوده جمله در یک زمان و در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان است. واحدی که به عقیده چیف^۲ بسیار متنوع است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). به‌طور کلی، تحلیل گفتمان جزء روش‌های تحقیق کیفی است که جهت کشف معنای به‌کار رفته در متن یا سخن و زمینه‌های مختلف نظیر سیاست، رسانه و غیره استفاده می‌شود. تحلیل گفتمان به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است. از این حیث، تحلیل گفتمان یک رویکرد میان‌رشته‌ای پیچیده و گسترده‌ای است که شامل رویکردهای روش‌شناختی و نظری متفاوت از زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی است. از این‌رو، تحلیل گفتمان، مُتدهای جدید تحقیق و شیوه‌های نوین مفهوم‌سازی سؤال‌های تحقیقاتی را ارائه می‌دهد و چگونگی تبلور، شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و کل نظام زبانی) و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰). در تحلیل گفتمان، شناخت معنای کانونی و بنیادی متن مورد مطالعه که می‌تواند یک فیلم، سخنرانی، کتاب یا اثر هنری باشد، هدف است و احاله جوانب و ظواهر و نشانگان متنوع به امور کانونی از جمله اقداماتی است که در تحلیل گفتمان صورت می‌گیرد (حسنی‌فر و امیری‌پریان، ۱۳۹۳: ۵۳). در مجموع، مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارتند از: الف) نشان دادن رابطه بین نویسنده متن و خواننده، ب) روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی «جریان تولید گفتمان»، پ) نشان دادن تأثیر بافت متن (واحدهای زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر روی گفتمان، ت) نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان (شرایط گفتمان)، ث) نشان دادن بی‌ثباتی معنا، ج) آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی، ح) هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، علوم، سیاست و اجتماع به دست آورد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳).

1. Zellig Harris

2. Chafe

۲-۲. طایفه‌باوری

طایفه معانی و ابعاد مختلفی دارد. طایفه واحد اجتماعی است؛ تاریخی است؛ فرهنگی است؛ گروه‌های اجتماعی است. این مفهوم^۱ در ارتباط با جوامع قبایلی، قومی، قوم‌ها و نژادی کاربست دارد. گروه انسانی / تیره‌ای است با نسل‌ها و خط‌های خونی و نام فAMILI مشخص که در فضای جغرافیایی با مرز مشخص بایکدیگر ارتباط دارند. افراد طایفه بر پایه نسبت خانوادگی، منشاء مشترک، ارزش‌های فرهنگی و مکانی با یکدیگر ارتباط می‌گیرند و هویت مشترکی را خلق می‌کنند که تصمیم‌گیری‌های خود را بر اساس این هویت مشترک انجام می‌دهند. در جوامع با ساخت طایفه‌ای، طوایف در مقام واحد سیاسی به شکل جغرافیایی حمایت‌ناپذیر انتخاباتی ظاهر می‌شوند در این صورت نماینده‌ای که از طایفه‌ای خاص بیشترین حمایت را گرفته است سعی بر پیش‌برد سیاست‌هایی که مطابق با منافع و انتظارات آن طایفه است را دارد. این باعث افزایش نفوذ و تأثیر طایفه در سیاست‌گذاری‌ها و انتخابات می‌شود.

بُنداشت طایفه بر صفات یا ویژگی‌های غریزی و محیطی به نام «انگیزش»، «وفاداری»، «سازگاری» و «همنوایی» استوار است. آنچه که منجر به خلق و شدت انگیزش بین افراد طایفه می‌شود، پیوندهای خونی، خاندانی و خویشاوندی است. وفاداری در بین افراد طایفه معطوف به قلمرو فضایی طایفه است که افراد نسبت به محیط جغرافیایی زیست خود، حس و تعلق مکانی خوشایندی دارند و به آن وفادار می‌مانند. سازگاری بین افراد طایفه بدین صورت است که افراد با محیط اجتماعی خود سازگار بوده و اعضای گروه به روشی قابل قبول با یکدیگر رفتار می‌کنند تا نیازها برطرف شوند. همنوایی یکی دیگر از صفات درونی طایفه به شمار می‌رود. افراد طایفه از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک برخوردار و تابع آنها هستند. بنابراین می‌توان گفت؛ خویشتن، تعلق سکونتگاهی/جغرافیایی و علائق مشترک، فلسفه و قویترین فرکانس در طایفه‌باوری هستند. طایفه‌گرایی اولویت دادن به کوراندیشی و ارتباطات گروه طایفه‌ای است به طوری که افزایش تقسیمات کشوری و کاهش همبستگی بین اعضای جامعه را در پی دارد. تمایل به حفظ هویت طایفه‌ای جدای از این امر و اعتبار را به همراه دارد. طایفه‌گرایی نوعی تبعیض و تفکر سیاسی نادرست است که مغایر با حقوق شهروندی است. در جوامع چندفرهنگی تنش را گسترش می‌دهد. طایفه‌محوری همزیستی مسالمت‌آمیز را فرسایش می‌دهد. دیدگاه‌های توسعه به راحتی توان هضم آن را ندارند. طایفه‌گرایی مختص به جوامعش است، نمی‌شود مفهومی که فرم درستی ندارد را وارد عرصه‌های دیگر کرد.

^۱ . Tribe

وحید صادقی و سیدمحمدحسین حسینی تئورسین جغرافیای بدن^۱، طایفه‌گرایی را جغرافیای بدن (Body Geography) می‌دانند. جغرافیای بدن طوایف حین کارزار انتخاباتی سایش و تقابلی‌ست که میل به گردهم‌آمدن در قالب اجتماع جهت حصول به اهداف سیاسی که همان طرفداری و رأی به نامزد انتخاباتی قلمرو زادگاهی و خویشاوندی خود است، را دارد. طایفه، «درون-مایه» است که در متن‌های سیاسی/اجتماعی تبدیل به «فرم» (طایفه‌گرایی) می‌شود. از منظر جغرافیای بدن، طایفه، «خویشتن» است که در هنگامه‌های خاص تبدیل به «نام‌نیک» می‌شود. به بیان دقیق‌تر، طایفه، «سکوت/چشم» است و طایفه‌گرایی، «کلام/زبان» (احساسات و عواطف قومی و خویشاوندی). طایفه به طور معمول، ذهن/درون است که در مواقع نارایج (مثل انتخابات) مبدل به دست و پا/حرکت/موومننت و در قالب کنش سیاسی طایفه‌ای نمودار می‌شود. به لحاظ جامعه-شناسی طایفه، فرهنگ است و طایفه‌گرایی خرده‌فرهنگ (تعریف از نگارندگان)

آنچه مهم است تلاش برای ایجاد جغرافیای صلح انسانی است که افراد متفاوت در یک محیط جغرافیایی به یکدیگر احترام بگذارند و تفاوت‌های خود را به مثابه نقطه قوت و منبعی برای یادگیری و اثرگذاری استفاده کنند. در جوامع چندفرهنگی توجه به همکاری‌های طایفه‌ای اصلی-ترین عامل توسعه است. این مهم روابط فرهنگی و اجتماعی را تقویت و توانمندی جامعه را افزایش می‌دهد. ایجاد مکانیزم‌های تبادل فرهنگی اجتماعی آموزشی، درک و همکاری بین اقشار مختلف جامعه را تسهیل می‌کند. بهبود فرایندهای آموزشی فرهنگی اولین و مهم‌ترین شاخص توسعه است.

۲-۳. فرایند سیاسی، انسان سیاسی و انتخابات

انتخابات^۲ بیش از آنکه پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی با برون‌دادی سیاسی باشد (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۰) که فرایند انتقال قدرت از مردم به حکومت را انتقال می‌دهد (Davarpanah, 2006: 52) یک فرایند سیاسی است. فرایند سیاسی، در نظام سیاسی شکل می‌گیرد. پایه‌های نظام سیاسی، نیروهای اجتماعی هستند که از طریق نهادها و کنش‌های اجتماعی با محیط شکل می‌گیرند. در این چنین بستری، نظام سیاسی را می‌توان تولید نهایی فرایندهایی در نظر گرفت که به دست انسان سیاسی در محیط سیاسی و اجتماعی و در واکنش به نظام‌های سیاسی همسایه شکل گرفته است (ویسی، ۱۳۹۴: ۱۷۴). انسان سیاسی به معنای موجودی (کارگزار اجرایی/آکادمیک/توده‌ای و ...) است برخوردار از نگرش، ادارک و رفتارشناس عینی (ملموس و مشهود اعم از سطح قدرت بازیگران، میزان منفعت متنفذین و ...) و تحلیلگر پدیدارهای ذهنی (ناملموس و پیچیده اعم از گفتمان خلق

^۱ برای مطالعه بیشتر می‌توان به مقاله‌ای که نویسندگان تحت عنوان "جغرافیای بدن؛ رویکردی نو برای پیروزی نامزدها در کمپین‌های انتخاباتی"، در مجله جغرافیا و روابط انسانی چاپ کرده‌اند، رجوع کرد.

^۲ Election

قدرت، شیوه لابی‌کنش‌گران و ... در عالی‌ترین (سیاست) مقیاس زیست این‌جهانی (تعریف از نگارندگان)

الف: موجود سیاسی

«موجود سیاسی» است؛ از آن حیث که در سپهر سیاست، وجود خارجی دارد. هم جزئی از فضا/سپهر زیست سیاسی است (کنش‌پذیر/بژه) و هم فضا/سپهر زیست به واسطه موجودیت وی، رنگ و لعاب سیاسی گرفته است (کنش‌گر/سوژه). لذا، موجودیت این انسان در سپهر سیاست، پیش‌درآمدی است بر اندیشه و رفتار سیاسی. عالی‌ترین و ناب‌ترین گونه انسان سیاسی، کارگزار اجرایی/ابزاری و آکادمیک/علمی از یکسو و ادنی‌ترین آن، توده از سوی دیگر است.

ب: نگرش، ادراک، رفتارشناسی و تحلیل‌گر رفتارهای عینی و ذهنی

«نگرش و ادراک» دارد و «رفتارشناسی و تحلیل‌گر» است. نگرش و ادراک از آن جهت که نسبت به پدیده‌های گوناگون این‌جهانی تفکر می‌کند و می‌اندیشد. از این حیث، انسان سیاسی قادر به رفتارشناسی و تحلیل/تفسیر پدیده‌ها است؛ خواه منشأ آنها عینی باشد (رفتارشناسی)، خواه ذهنی (پدیدارشناسی). عالی‌ترین مقیاس نگرش، تفکر، رفتارشناسی و تحلیل پدیده‌های سیاسی مربوط به اندیشمندان آکادمیک و کارگزاران اجرایی و روزمره‌ترین آن متعلق به توده است.

ج: عالی‌ترین مقیاس (سیاست)

«عالی‌ترین» وجه زیست این‌جهانی، «سیاست» است؛ از آن جهت که دربردارنده فهم انسان سیاسی از اضلاع گوناگون (فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ...) تشکیل دهنده یک جامعه است. از آنجا که سیاست به مثابه هنر بکارگیری ابزارهای متعدد جهت رسیدن به هدف (منفعت، ثروت، قدرت و ...) است، متولی فهم و تحلیل این پدیده‌ها، انسان سیاسی (اعم از کارگزاران اجرایی، آکادمیک «فهم عمیق» و یا توده‌ها «فهم سطحی و روزمره») است (تعریف از نگارندگان).

۳. قلمرو پژوهش به همراه بررسی و نقد نشریات

ممسنی نام شهرستانی باستانی است که یکی از مناطق اصیل شیراز مرکز استان فارس به شمار می‌رود. کشف لیدوما چهارمین شهر سلسله هخامنشی و برخوردار از اقلیم چهارگانه و چندفرهنگ-گونگی جامعه، ضمن اینکه ممسنی را سرزمین چهارفصل / سرزمین پرندگان کرده، استرالیای زاگرس شده است. چنانچه گردشگران فراوانی را به خود جای داده است. این شهرستان، ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت (با احتساب شهرستان رستم) دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در جوامع چندفرهنگی ممسنی، نشریات محلی از دهه ۱۳۸۰ به بعد حضور پررنگی داشته و مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پوشش داده‌اند. فصلنامه فراسو و ماهنامه نورباران نقش‌آفرینی و نمود

چشمگیرتری داشته‌اند. این نشریات عرضه‌داشت مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در دستور کار خود قرار داده که به نظر مسائل سیاسی نمود بیشتری در آنها داشته است. هرچند فصلنامه فراسو و ماهنامه نورباران به صورت علمی و دقیق به بیان دلایل و پیش‌زمینه‌های طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی نپرداخته‌اند، ولی اختصاص چندین شماره به این موضوع بیانگر دغدغه آنها برای توصیف وضعیت کنونی است. با این حال انتقاداتی ژرف و بنیادی بر این نشریات وارد است. انتقادات اساسی وارد بر فصلنامه فراسو عبارت است از:

۱- به‌رغم تلاش هیأت تحریریه فراسو مبنی بر تعلق خاطر به آحاد انسانی ممسنی و همه اقشار جامعه، بررسی مؤلفین این فصلنامه در شماره‌های مختلف مؤید محدود بودن حلقه نویسندگان به طیف فکری خاص است. تحت چنین شرایطی، زمینه انتشار آثار پژوهشگران غیرهمسو در این فصلنامه نحیف است. به عبارتی، به نظر می‌رسد مسئولان فراسو مقالات پژوهشگران را فارغ از اسم و جایگاه اجتماعی مؤلف آن منتشر نمی‌کنند، بلکه در پی چاپ مطالب و مقالات مؤلفینی هستند که بیشتر گرایش جناحی همسو دارند. بنابراین، خطمشی ایدئولوژیک و میل جناحی در هیأت تحریریه این فصلنامه عیان است. استفاده بیش از اندازه از نویسندگانی که گویا از چهره آکادمیک و علمی چندانی برخوردار نیستند و جایگاه چندانی در ساختار کلان قدرت و دولت ندارند، تأییدگر این ادعا است. از نظر روش شناخت، تبیین و تحلیل مسائل باید به دور از داوری ارزشی باشد و محقق در فرآیند تحقیق بی‌طرفی خود را حفظ نماید. این در حالی است که مدیران فراسو به عنوان سوژه شناسا اصل وفاداری سیاسی را در انتشار مطالب در پیش می‌گیرند. بنابراین، ابژه (موضوع شناخت) به مسائل خاص محدود می‌شود و ابعاد بنیادین پژوهش به رشته تحریر در نمی‌آیند. مصاحبه هدفمند با افراد برخوردار از نگرشی سیاسی همسو با مجله تأییدگر این مدعا است.

۲- پرداختن به موضوعات و مباحثی که به نظر کمکی به توسعه فضای جغرافیایی ممسنی نمی‌کند را می‌توان از اشکالات جدی این فصلنامه بر شمرد. تأکید بیش از اندازه بر ادبیات داستانی و غزل پست‌مدرن، این پرسش فلسفی را در ذهن تداعی می‌کند که غزل پست‌مدرن و اندیشه‌های سرایندگانش (مهدی موسوی و فاطمه اختصاری) چه تأثیری می‌تواند بر توسعه ممسنی داشته باشد؟ ادبیات پست‌مدرن بیشتر به دنبال عناصر معطوف به سطح کلان است و کمتر قادر به تحلیل سطح خرد است، زیرا اکثریت موضوعات مقیاس محلی از طریق رویکرد تجربی (اثباتی) و معناکاوی ارزش‌ها (تفسیری) می‌توانند مورد پردازش قرار گیرند و بر بنیاد آنها راهکارهای رهایی‌بخش (انتقادی) ارائه شود. اگرچه اشعار محلی در جوهر خود زمینه آرامش و تسلی خاطر انسان هستند، ولی نمی‌توان کارویژه توسعه عینی در فضای جغرافیایی برای آن قائل بود. از نظر روش‌شناختی، مقوله‌های پارادایم اثباتی (مشاهدات میدانی فصلنامه فراسو در زمینه مسائل مختلف) خالی از ارزش

و مبتنی بر بی‌طرفی علمی نیست. انتشار مطالب پست‌مدرن نیز نشانگر رگه‌هایی از ساختارشکنی از وضع موجود سنتی و عشیره‌ای است.

۳- ژست روشنفکری فراسو: رویکرد مجله فراسو مبتنی بر گفتمان اصلاح‌طلبی و دگراندیشی است. در چنین فضایی معمولاً سردبیر و سایر اعضای هیأت تحریریه خود را در زمره طبقه متوسط و بالای جامعه می‌پندارند. تحت این شرایط، شالوده برای بیان الفاظ پیچیده مفاهیم سیاسی به ویژه در سطح کلان فراهم می‌شود. افزون بر این، برجسته‌سازی تصاویر بازیگران سیاسی و حضور و دورهمی در کافه‌کتاب‌ها و مباحثه پیرامون مفاهیم کلانی نظیر دموکراسی، حقوق شهروندی، شعر پست مدرن و اندیشمندانی همچون شاملو، هدایت، آرنت، فوکو، نیچه، هایدگر، مارکس، کانت، دریدا، بارت، لاکان، فروید و مانند اینها بیانگر تلاش فراسو برای خویشتن‌آگاهی و منورالفکری است.

۴- ضعف تطبیق تخصص و رشته نویسندگان در زمینه مطالب منتشر شده: برخی از افرادی که در مجله فراسو قلم زده‌اند فارغ التحصیل رشته‌های تجربی (علوم پزشکی) و ریاضیات (حسابداری) هستند، اما مشاهده می‌شود در زمینه علوم انسانی و اجتماعی به نگارش متون پرداخته‌اند. این مسئله نه تنها به معنای عدم توجه فراسو به تخصص و رشته تحصیلی نگارندگان است، بلکه فرصت ابراز وجود از دانش آموختگان و اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی جهت نشر مطالب را سلب می‌نماید. در چنین شرایطی، "روابط" جایگزین "ضوابط" می‌شود و برخی افراد صرفاً به واسطه نفوذ ژئوپلیتیک و قدرت لابی، جناحی، خویشاوندی، دوستی و هم‌فکری با مسئولین نشریه به نگارش مطالب خارج از حوزه تخصص خود می‌پردازند. واضح است که این افراد قادر به بررسی و پردازش دقیق و علمی مباحث و موضوعات نیستند و با قلم‌فرسایی در شماره‌های مختلف مجله به نوعی در پی یادآوری و برجسته‌سازی نام خود هستند. از نظر روش شناخت، محقق باید دیدگاه علمی و انتقادی خود را در چارچوب حوزه کاری خویش مطرح سازد. ارتباط علمی سوژه (محقق) و ابژه (موضوع تحقیق) یکی از مباحث بنیادین روش شناخت به شمار می‌رود که چندان مورد توجه هیأت تحریریه فراسو قرار نگرفته است. از این رو، علمی‌تر است که فراسو مطالب تخصصی و پژوهشی را به اهلهش واگذار کند.

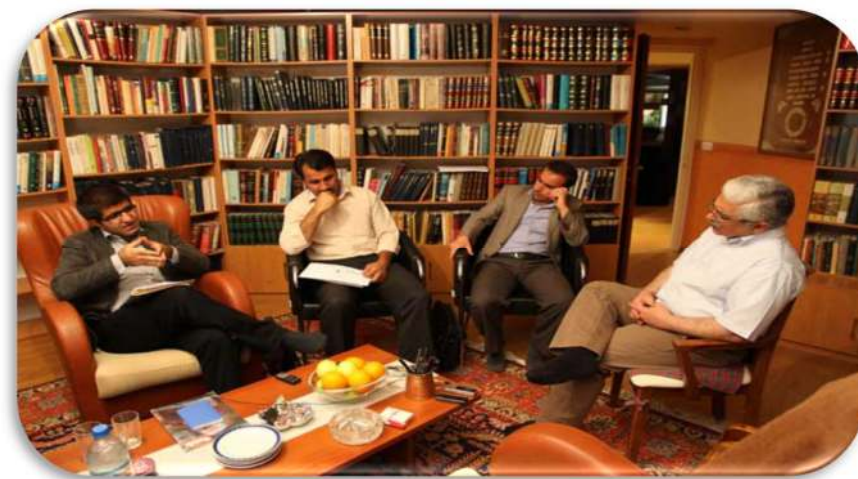
۵- تخصیص بخشی از حجم فصلنامه به مطالب سطح کلان: فراسو به دلیل علایق سیاسی خود طی شماره‌های مختلف به بیان عریض و طویل موضوعات کلان و ملی پرداخته است. نظر به مقیاس جغرافیایی محلی فراسو، شایسته است به بیان تحولات و موضوعات مربوط به این سطح بپردازد. از نظر روش شناخت، محدود کردن موضوع به بازه زمانی و مکانی مشخص (شهرستان ممسنی)، کمک بهتری به فهم مباحث برای مخاطبان می‌کند.

۶- اختصاص حجم مطالب به چارچوب نظری تا یافته‌ها و مباحث موردی - کاربردی: دیده‌ها و داده‌ها گویای این است که برخی از افرادی که در فراسو قلم زده‌اند، به تبیین مباحث تئوریک و

نظری (دانسته یا ندانسته) پرداخته‌اند و از بیان مطالب اصلی (هسته بحث) باز مانده‌اند. گردآوری و تکرار مباحث نظری اندیشمندان توسط افرادی بعضاً غیرمتخصص، ذهن مخاطبان را به سوی سَمبل کاری سوق می‌دهد که به دلیل ضعف اطلاعات لازم پیرامون یافته‌های تحقیق (ممسنی-شناسی) صرفاً مبانی نظری سایر متفکران را به رشته تحریر در می‌آورند تا در میان توده مردم ممسنی به عنوان چهره‌ای علمی و اکادمیک انگاشته شوند. در مجموع، جان کلام در بیان مطالب علمی (به ویژه در کانتکس ممسنی) باید پیرامون هسته تحقیق باشد نه شالوده‌ها، مفاهیم و بنیادهای نظری که کمتر اندیشمندی توانای این کار سترگ است.

۷- ضعف یا عدم سنخیت شکل و محتوای متون با موضوع یا عنوان: در کثیری از شماره‌های فراسو، محتوای مطالب با عنوان سازگار نیست و مدیر مسؤل و سردبیر به دخل و تصرف روشی در تطبیق محتوا و عنوان نپرداخته است. هرچند این مسئله به منزله آزادی بیان در نگارش مطالب قلمداد می‌شود، ولی منطبق با دیدگاه‌های علمی و روشی‌شناسی نیست. سردرگمی مخاطب جهت درک و فهم موضوع ضمن اینکه قوی‌ترین پی‌آیند این مسئله است، می‌تواند به دلسردی و سوءظن مخاطبان در زمینه علمی بودن فصلنامه منجر شود و آن را صرفاً مجله‌ای ژورنالیستی و فاقد درون-مایه بنیادین، تصور کنند.

۸- به نظر می‌رسد گردانندگان اصلی مجله فراسو صرفاً مختص به یک قلمرو زیستی و جغرافیایی هستند. این مسئله می‌تواند اذهان را به سوی زیستگاه‌گرایی و طایفه‌گرایی مسؤلان این مجله سوق دهد و مانع از ورود کنشگران و متفکران دیگر قلمروها و طوایف به جمع هیئت تحریریه شود. این نگرش مانع از رعایت اصل بی‌طرفی علمی می‌شود.



تصویر ۱. جمع فراسو؛ دگراندیش

از طرفی دیگر، ماهنامه نوریاران مورد انتقادات جدی و بنیادی است که در ذیل اشاره می‌شود:

- ۱- وابستگی جناحی و سیاسی: خط‌مشی نشریه نوریاران مبتنی بر اصولگرایی و محاذه‌کاری است. بر این بنیاد، انتشار این نشریه صرفاً در راستای توصیف صرف مطالب نبوده، بلکه حفظ وضع موجود (همراهی با گفتمان اصولگرایی) را نیز دنبال کرده است. از نظر روش شناخت، مسئولین نوریاران بیشتر تحولات میدانی و آمار و ارقام مربوط به فعالیت‌های عمرانی و مثبت نماینده وقت ممسنی را ذکر کرده‌اند که بیانگر رویکرد اثباتی و تجربی صرف این نشریه است و از تفسیر مسائل اجتماعی و انتقاد نسبت به وضع موجود خودداری کرده است.
- ۲- گرایش به سمت نماینده وقت و طرفداری از آن: به نظر می‌رسد که نشریه نوریاران به عنوان تریبون حمایتی کارگزار و نماینده خاصی عمل کرده است. تلاش نشریه نوریاران به منظور برجسته‌سازی فعالیت‌های عمرانی نماینده وقت در اقصی نقاط شهرستان ممسنی بیانگر این امر است. انتخاب سردبیر منتسب به تیم تبلیغاتی نماینده وقت برای نشریه نوریاران نیز دلیل دیگری در تایید این مدعا است که بی‌طرفی علمی را از آن سلب کرده است. در واقع کارگزار (نماینده) و مطبوعات (نشریه نوریاران) یکدیگر را قوام متقابل بخشیدند تا به حیات سیاسی خود ادامه دهند.
- ۳- تبلیغات جهت کسب سود: تخصیص بخش مهمی از حجم صفحات به تبلیغات و سودآوری برای نشریه از این طریق، یکی از موانع مهم پوشش تحولات مهم‌تر شهرستان بوده است. مباحث علمی می‌توانست جایگزین چنین تبلیغاتی شود.
- ۴- غیرعلمی بودن: نشریه نوریاران تمام‌سطوح کوششی ژورنالیستی (نه علمی) جهت بیان مسائل محلی شهرستان ممسنی بوده است. همین غیرعلمی بودن باعث کاسته شدن کیفیت علمی آن شده و بر ابعاد جناحی و ژورنالیستی آن افزوده است.



تصویر ۲. جمع نوریاران، گذشته‌گرا/محافظة‌کار

۴. روش کار

کشف لایه‌های در سطح ساختار و کنش اجتماعی افراد مستلزم به‌کارگیری روش‌های شناختی است. هرچند پست‌مدرنیسم برخلاف فرهنگ سنتی و مدرن بر عدم قطعیت، نبود معیار و ملاک برای حقیقت و روش تحقیق تأکید دارد و نسبی‌گرایی ارزشی را دستورکار قرار می‌دهد، ولی زمینه را برای تحلیل رمزگان درون متن، رسانه، رایانه و غیره فراهم می‌سازد. با توجه به کاستی‌های موجود در پست‌مدرنیسم نظیر سطحی‌نگری، فقدان عمق و نبود زمان‌مندی (عدم توجه به بعد تاریخی)، نگارندگان از روش تحلیل گفتمان که با انگاره‌های رهیافت پست‌مدرن نظیر فراواقعیت (تبلیغات صوری و پُرهیاهوی نامزدها در رسانه‌ها که به نوعی شبیه‌سازی شده و از واقعیت‌های موجود در حوزه انتخابیه واقعی‌تر به نظر می‌رسند) در ارتباط است، جهت تحلیل عمیق متن در این پژوهش سود جستند. به عبارتی، به‌رغم سنگینی کفه سنت‌ها (ارزش‌های طایفه‌ای) نسبت به بخش مدرن در یک ساختار سنتی (نظیر ممسنی)، رفتار اجتماعی افراد و نامزدها در پرتو اطلاعات جدید (تبلیغات در رسانه‌ها، مطبوعات و نشریات) تا حدودی بازاندیشی شده است. بر این پایه، فاعل و سوژه (انسان ممسنی) منفعل محض (تحت‌تأثیر ساختار) نیست، بلکه بر فرآیندهای جسمی خود (رفتار انتخاباتی) نیز می‌تواند نظارت داشته باشد. بدین معنا که مشارکت ایشان در انتخابات صرفاً هویتی نیست، بلکه کنش عقلانی و هدفمند (حصول به منافع و مصرف‌گرایی پس از پیروزی نامزد موردنظرش در انتخابات) را نیز در دستورکار قرار می‌دهد. به‌منظور تحلیل گفتمان متون فصلنامه فراسو و نشریه نورباران در خصوص طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی از روش پدام (روش عملیاتی تحلیل گفتمان) استفاده شده است، زیرا با کمک این روش می‌توان از تحلیل ذهنی صرف خودداری کرد و مؤلفه‌های عینی را نیز مدنظر قرار داد (حسینی‌فر و امیری‌پریان، ۱۳۹۳: ۵۵).

در این راستا، روش پدام مورد توجه نگارندگان است که از سه مرحله کلان «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» و پنج سطح تحلیل شامل «سطح - سطح»، «سطح - عمق»، «عمق - سطح»، «عمق - عمق» و «عمیق‌تر» تشکیل شده است. سه سطح اول نوعی توصیف است که با تکیه به اصل متن، معناهای هژمونیک و ضمنی متن با انتخاب جملات همسو با هدف تحلیل، کشف رابطه میان معناهای مشترک در جملات همگرا در متن و نهایتاً قرائت معناهای جملات همسو در متن با سایر معناهای مستخرج از جملات دیگر متن به طور کلی است. به عبارتی، این مرحله، حرکت در داخل متن از سه جهت: متن هدف‌دار، متن همسو و متن موجود است. در این مرحله مهم‌ترین مسئله، کشف دال‌های مرکزی و ایجاد مفصل‌بندی‌های مناسب میان متون گوناگون است. روابط مفصل-بندی شده در متون مختلف (متن هدف‌دار، متن همسو و متن موجود) نوعی از روابط میان معنای هژمونیک، تحت‌اللفظی و ضمنی است که می‌توانند در تحلیل بعدی مؤثر باشند. رویهم‌رفته، پنج مرحله یاد شده با استفاده از اطلاعات فرامتنی نظیر اطلاعات سیاسی و نظری دیگر، نتیجه تحلیل

گفتمان را مشخص می‌سازد (بشیر و حسنیو، ۱۳۹۴: ۹۵). بر این پایه، در فصلنامه فراسو شماره‌های ۱، ۲، ۵، ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۲۷ و ماهنامه نورباران شماره‌های ۳، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۳، ۵۱، ۵۵، ۵۹ که مرتبط با طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی هستند، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نگارندگان با توجه به روش پدام و بشیر به تحلیل گفتمان ۲۶ متن (۱۳ متن فصلنامه فراسو) و (۱۳ متن ماهنامه نورباران) در شماره‌های ذکر شده در رابطه با طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی پرداخته‌اند. با توجه به اینکه در هر متن، واژگانی مبتنی بر ساختار ایلی - عشیره‌ای شهرستان ممسنی یافت می‌شود، تأکید نگارندگان بر مفاهیم و کلیدواژه‌هایی است که در طایفه‌گرایی در بازه زمانی انتخابات تأثیرگذار بوده‌اند. از این‌رو، بر بنیاد پنج سطح تحلیل یعنی «سطح - سطح»، «سطح - عمق»، «عمق - سطح»، «عمیق» و «عمیق‌تر» به تحلیل متون پرداخته خواهد شد.

۵. یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه استخراج اطلاعات مربوط به متون، مستلزم جمع‌آوری و توصیف دقیق محتوای آنها است، بر بنیاد روش تحلیل گفتمان ابتدا سه مرحله اول پدام که مبتنی بر توصیف است، در جدول شماره ۱ مطرح شده‌اند. در این مرحله به بررسی ۲۶ متن مربوط به طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی در سه لایه «سطح - سطح»، «سطح - عمق»، «عمق - سطح» و «عمق - سطح» پرداخته می‌شود. در لایه نخست، متن فصلنامه و ماهنامه مطرح شده و در لایه‌های بعدی تحلیل نگارندگان در زمینه چگونگی تبلیغات نامزدها ارائه شده است.

۱-۵. پردازش و بررسی متن فصلنامه فراسو

جدول ۱. استخراج اطلاعات متن فصلنامه فراسو بر بنیاد سه مرحله اول پدام

سطح - سطح (برداشت از اصل متن)	سطح - عمق (جهت‌گیری و گرایش متن)	عمق - سطح (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش متن)
رخداد‌های تبلیغات نامزدهای مجلس از گذشته تا کنون به خصوص در اسفند ۱۳۸۶ از چالش‌های خطرناکی بوده است که بعضاً نامزدهای مجلس به‌ویژه این دوره با بهره‌برداری غیرمتعارف و غیراجتماعی از احساسات اقوام و طوایف شهرستان ممسنی صرفاً برای به دست آوردن رأی مردم به آن دامن می‌زنند تا حدی که باعث درگیری‌های شدید قومی، قبیله‌ای و حتی درون‌خانواده‌ای شده است. البته مرزبندی‌های طایفه‌ای در ممسنی اساساً مرزبندی جغرافیایی است و نه قومی، قبیله‌ای و حتی سیاسی. شرط گریز از این هجمه قومی، انتخاب مردم‌سالاری به جای طایفه‌سالاری است (دولت‌آبادی ۱۳۸۷: ۳۵)	فضای انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی مبتنی بر طایفه‌گرایی، خشونت و درگیری خیابانی است.	تدوین رابطه معنادار میان تبلیغات نامزدها، تحرکات رأی دهندگان و مرزهای جغرافیایی با طایفه‌گرایی در انتخابات.

<p>استمرار طایفه‌گرایی و خشونت در شهرستان ممسنی به دلیل سوءظن ذهنی طوایف نسبت به یکدیگر، محدود بودن روابط افراد به طایفه خود، تمایل نخبگان به طایفه‌گرایی و عدم وجود صنعت مدرن.</p>	<p>زندگی عشیره‌ای و تفکر طایفه‌ای در بستر اجتماعی شهرستان ممسنی وجود دارد و طوایفی که جغرافیای زیست‌مشترک دارند، بیشتر به سوی طایفه‌گرایی گام برمی‌دارند.</p>	<p>زندگی عشیره‌ای الزماً کوچ‌نشینی نیست، بلکه می‌توان در مراکز شهری هم ساکن بود، ولی تفکر و نگاه عشیره‌ای داشت؛ چه در ازدواج، چه در رفت و آمد و چه در سایر مسائل. در مواقع انتخابات هر شخص انتخاب خودش را دارد و در چارچوب طایفه خود است و از آن فراتر نمی‌رود. اشخاص استثنای تأثیری ندارند. حساسیت طایفه‌ای میان طوایف جاوید و بکش به دلیل خودخواهی کاذب و مکان زیست مشترک آنها بیشتر از طوایف رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلادی است. اختلافات عمدتاً از سوی نخبگان نظیر فرهنگیان دامن زده می‌شود تا طبقه عمومی‌تر جامعه. در شهرستان ممسنی، شخصیت اصلی نماینده است تا فرماندار و مقامات اجرایی. این مسئله سیاسی در ناخودآگاه افراد وجود دارد که اگر نماینده‌ای از طایفه مقابل به مجلس برود، در کل از هستی ساقط خواهیم شد. یکسری مسائل ارتباطی مانند ازدواج و مراودات طایفه‌ای می‌توانند تا حدود مسئله طایفه‌گرایی را حل کند. ایجاد کارخانه‌ها و صنایع منجر به کنار هم قرار گرفتن افراد وابسته به طوایف مختلف خواهد شد. برای عبور از مراحل گذار باید از سبک زندگی جاهلی خارج شویم (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۲-۴).</p>
<p>تبیین رابطه معنادار میان فرهنگ ایلی - عشیره‌ای در دوره خوانین و بازساخت آن در عصر جدید همانند انتخابات</p>	<p>فرهنگ ایلی - عشیره‌ای در تشدید خشونت و سوءظن افراد نسبت به یکدیگر نقش پُررنگی دارد.</p>	<p>فرهنگ شرارت از سه ویژگی برخوردار است: ۱. فرهنگ عشایری و ایلی که در اثر محدودیت‌های نظام قومی و وابستگی‌های آن خصوصاً در اثر محیط تربیتی و شرارت‌آفرینی به وجود می‌آمده است. ۲. فقر مالی و عدم ارتباط با شهر چه با هدف تربیت و فرهنگ و چه برای تأمین نیازمندی‌های زندگی از طریق معاملات. ۳. نظام خانجانی و تعلیمات غلط آن بر روی جوانان و تحریک آنان به شرارت و گمراهی. با وجود عبور ممسنی از دوره خان و کدخداها، هنوز اثرات این نظام قبیله‌ای و ضداجتماعی در شهرستان وجود دارد که در جریان انتخابات علنی و منجر به درگیری می‌شود. همچنین اندیشه حفظ مرزهای جغرافیایی مانع از فروش زمین یا اجازه کار به افرادی از طایفه دیگر می‌شود (چوبینه، ۱۳۸۷: ۴۷).</p>
<p>تبیین نقش خوانین و نیروهای اجتماعی نظیر فرهنگیان در طایفه‌گرایی و منافع کوتاه‌مدت</p>	<p>شهرستان ممسنی همواره با چالش طایفه‌گرایی دست و پنجه نرم می‌کند.</p>	<p>دستیابی به منافع شخصی یکی از موانع توسعه شهرستان ممسنی است. در گذشته خوانین و کلانتران بر طوایف مختلف ممسنی حاکمیت داشته‌اند و با بهره‌گیری از تز "تفرقه بینداز و حکومت کن" و عنوان کردن برتری‌های قومی و مسائل تفرقه‌افکنانه‌ای نظیر لر و ترک، بکش یا جاوید، رستم و دشمن‌زیاری و بالعکس باعث درگیری‌های خونین شده‌اند. سهم عمده‌ای از طرح این شعارها توسط گروه به اصطلاح روشنفکر جامعه سر داده می‌شود. در این زمینه می‌توان به آموزش و پرورش اشاره کرد که با بیشترین نیروهای تحصیل کرده</p>

		در سطح منطقه نقش مهمی در جهت‌دهی به افکار عمومی دارد (لشکری، ۱۳۸۸: ۷).
مطرح ساختن عوامل طایفه‌گرایی و بی‌توجهی به شایسته‌سالاری در انتخاب نامزدها و عدم وجود بستر لازم به منظور مقابله با طایفه‌گرایی در مواقع حساس.	طایفه‌گرایی در زمان برگزاری انتخابات توسط افراد متعصب برجسته می‌شود و نفی کنندگان طایفه‌گرایی مورد اهانته قرار می‌گیرند.	طایفه‌گرایی و تعصب کور انتخاب نمایندگان این نهاد را از اصول آزاداندیشی بسیار دور کرده است. دو گروه این وضع نامناسب را به وجود می‌آورند. دلالت و متعصبین بی‌منطق طایفه‌گرایی. حتی در میان افراد تحصیل کرده و مدعی روشنفکری از این افراد به وفور دیده می‌شود. از این‌رو، برای حصول به پست و مقام به حمایت از نامزد طایفه خود می‌پردازند و سایر نامزدها را بی‌شخصیت جلوه می‌دهند و مردم را به تعصب‌کشی فرامی‌خوانند. وظیفه نماینده در امر قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قوانین مورد توجه رأی دهندگان قرار ندارد و صرفاً از نامزدها سؤال می‌کنند: اگر موفق شدی که حتماً خواهی شد، برای من چکار خواهی کرد؟! افرادی که در نفی طایفه‌گرایی صحبت می‌کنند، مورد تمسخر قرار می‌گیرند و به بی‌غیرتی و خیانت به اصل و تبار و طایفه محکوم می‌شوند (رزمجویی، ۱۳۸۸: ۹-۸).
استفاده عاملان طایفه‌گرایی از احساسات مردم در برهه زمانی قبل و بعد از انتخابات و نادیده انگاشتن پیشرفت شهرستان در ابعاد مختلف	طایفه‌گرایی ریشه در دو دوره زمانی دارد و در عصر جدید در انتخابات مجلس و شورای شهر نمود پیدا کرده است.	حضور و ظهور واژه طایفه‌گرایی در ممسنی را باید به دو برهه زمانی در تاریخ ممسنی تقسیم کرد: ۱. طایفه‌گرایی و عاملان آن پیش از انقلاب. ۲. طایفه‌گرایی و عاملان آن پس از انقلاب. قبل از انقلاب، خوانین به‌عنوان سردمداران طوایف و کدخدایان به عنوان دست‌نشانده خوانین در تیره و بنکو بودند که به سرکوب مردم و تصاحب اموال آنان می‌پرداختند. بعد از انقلاب علی‌رغم وجود ارزش‌های دینی، طایفه‌گرایی در میان نخبگان ممسنی رسوخ پیدا کرد و ممسنی از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همانند شولستان و مالکی باقی ماند. طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستا بیشترین شدت را دارد. متأسفانه کارآمدترین جوانان، مردان و زنان در صف اول طایفه‌گرایی قرار دارند و فرهنگیان احساسات طایفه‌گرایی را میان جوانان برانگیخته می‌کنند و خسارات جبران‌ناپذیری بر مردم ممسنی و آینده آن وارد می‌کنند (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۰).
تقسیم بندی فضای شهرستان ممسنی به دو بخش اجتماعی (همگرایی طایفه‌ای) و سیاسی (واگرایی طایفه‌ای)	طایفه‌گرایی ریشه در انتخابات و سیاست‌های نمایندگان دارد که با اقدام خود زمینه‌ساز تفرقه	مردم طوایف مختلف ممسنی به نحوی یکدیگر را می‌شناسند و در شرایط عادی و مناسبت‌های مختلف با یکدیگر رفت و آمد دارند و هنگام بروز حوادث به یاری هم می‌شتابند. ولی در زمان انتخابات این همه جار و جنجال برای چیست؟ برای خدمت به مردم محروم است یا برای ایجاد نفاق و دوگانگی بین آنها؟! این جاوید است آن بکش، دیگری رستم و بقیه قشقای و دشمن‌زیاری. چه معنایی دارد؟

<p>در انتخابات مجلس و شورای شهر و روستا.</p>	<p>میان طوایف شهرستان می شوند.</p>	<p>چرا باید اینچنین فکر کنیم؟ چرا به ممسنی نیندیشیم؟ طایفه- سالاری بهتر است یا شایسته‌سالاری؟ راه خدمت به این مردم محروم این نیست که یکدیگر را تخطئه کنیم و بین طوایف حد و مرز ایجاد کنیم. نماینده به جای تمرکز بر طرح‌های تولیدی و پروژه‌های اشتغال‌زا، سیاست نماینده قبل را در پیش می‌گیرد و با انتقام‌جویی به تعویض افراد در ادارات می‌پردازد و باعث تفرقه بین طوایف می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۸: ۱۳).</p>
<p>ناکارآمدی نمایندگان شهرهای کوچک به دلیل انتخاب از سوی اشخاص منفعه‌طلب و طایفه‌گرا و نقض حقوق شهروندی در ساخت طایفه‌ای.</p>	<p>تقسیمات طایفه‌ای به دلیل ترس و نیاز افراد در عصر قدیم ایجاد شد، ولی در عصر جدید بازساخت شده است.</p>	<p>در شهرستان ممسنی رسم پوشیدن لباس سیاه توسط اقوام صاحب‌عزا وجود داشت که با همت بزرگان این رسم برچیده شد. با وجود این، طایفه‌گرایی در انتخابات نمود چشمگیری دارد و در زمان‌های دیگر نامی از آن نیست. به نظر می‌رسد که عده‌ای برای منافع کوتاه-مدت خود این تنور را گرم می‌کنند و عده‌ای هم صرفاً به دلیل نوستالژی قبیله‌ای با این موضوع هم‌داستان می‌شوند. معمولاً یکسال بعد از انتخابات اگر از افراد سوال کنند نظرت در مورد نماینده چیست؟ بیان می‌کند که نتوانسته است مشکلاتم را حل کند. بر این اساس، در انتخابات دهه‌های اخیر ممسنی، مردم تحت‌تأثیر حس کاذب طایفه‌گرایی هستند. از این‌رو، اتخاذ چنین رویکردی در شهرهای کوچک مانع از ایجاد یک مجلس کارآمد می‌شود (صفری، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۳).</p>
<p>ریشه‌یابی علت‌های طایفه‌گرایی در بستر تاریخ و ارائه راهکار نظیر فرهنگ شهروندی مبتنی بر عقلانیت به منظور فاصله گرفتن از ارزش‌های طایفه‌ای در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستا.</p>	<p>طایفه‌گرایی به صورت تدریجی در ادوار مختلف حوزه انتخابیه ممسنی بازساخت شده است و این شهرستان از نظر توسعه‌یافتگی در سطح پایینی قرار دارد.</p>	<p>در حوزه انتخابیه ممسنی هر چه از سال‌های پس از انقلاب به زمان کنونی نزدیک می‌شویم، شاهد حرکت از جریان فکری به جریان محلی‌گرایی و طایفه‌گرایی هستیم. مولفه‌هایی نظیر وزن‌کشی طایفه‌ای، دستیابی به منابع کمیاب و کم‌رنگ شدن نقش‌آفرینی نخبگان فرهیخته و به دور از طایفه‌گرایی، نبود احزاب، ظهور ریش-سفیدان جدید و اقدامات نمایندگان در دوره نمایندگی خود در طایفه‌گرایی مؤثر هستند (میرفردی، ۱۳۹۴: ۱۱-۷).</p>
<p>ترسیم فضای طایفه‌ای، شناسایی عوامل مؤثر بر طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی و</p>	<p>طایفه‌گرایی ریشه در عوامل فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و تحرکات معتمدین</p>	<p>عوامل مختلفی در طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی نقش دارند که عبارتند از: عدم نهادینه شدن احزاب و توزیع نامتوازن امکانات و خدمات در کشور، لحظه تأسیس و بنیان‌گذاری نورآباد ممسنی (همزیستی طایفه جاوید با طایفه بکش و ایجاد مشاجرہ میان آنها)، پراکندگی طایفه‌های محلات مسکونی شهر نورآباد (نظیر دوراهی، اسکان عشایر، توتستان و غیره)، توزیع طایفه‌ای منابع و فرصت‌های</p>

<p>تحلیل جامعه-شناختی آنها به منظور ارائه راهکار</p>	<p>و متنفذین محلی دارد.</p>	<p>خدماتی - رفاهی در روستاها، اجتماعی شدن قومی طایفه‌ای. علاوه بر این، می‌توان به نقش بزرگان، معتمدین و متنفذین طایفه‌ای در انتخابات اشاره کرد که به صورت دیرینه‌گرایی، ابزارگرایی و برساخت‌گرایی جلوه‌گر می‌شود. به نظر می‌رسد که تصورات ذهنی متنفذین بیشتر از طریق دیرینه‌گرایی باعث طایفه‌گرایی می‌شود. از این‌رو، برای تقلیل طایفه‌گرایی باید به تکرر نامزدها در میان طوایف مختلف، ساختارشکنی از روایت موجود از طایفه‌گرایی در شهرستان، مدیریت مطلوب و غیرجانبدارانه هیئت‌های اجرایی و نظارت بر انتخابات پرداخت (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۲).</p>
<p>ترسیم فضای شهرستان ممسنی با کالبد مدرن و شهرنشین، ولی ماهیت عشیره‌ای و مبتنی بر الگوی رأی طایفه‌ای در انتخابات و عدم توجه به مفهوم حقوق شهروندی.</p>	<p>جوامع به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می‌شوند و حرکت به سمت جامعه مدرن مستلزم تحقق مفهوم شهروندی در جامعه است.</p>	<p>شهرستان ممسنی علی‌رغم برخورداری از جمعیت شهرنشین زیاد، میزان سواد بالا و گسترش مظاهر مدرنیته، هنوز تا رسیدن به شهروندی راهی بس طولانی در پیش دارد. در واقع ساکنان ممسنی از نظر ساخت‌افزایی نظیر ساختمان، خودرو و غیره مدرن شده‌اند، ولی از نظر نرم‌افزاری مانند اخلاق، رفتار و کردار هنوز مدرن نشده‌اند. اگر بتوانیم از اجتماع سنتی گذر کنیم و به عنوان شهروند و نه شهرنشین در یک جامعه مدرن زندگی کنیم، شاید بتوانیم از طایفه‌گرایی دست بکشیم و در موضوع انتخابات و رأی دادن آن را اعمال کنیم (رزمجو، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵).</p>
<p>ترسیم پیش‌زمینه طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی به منظور ارائه راهکار در جهت مقابله با طایفه‌گرایی و حرکت به سوی توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.</p>	<p>با توجه به عوامل تاریخی و اجتماعی، عوامل روبنایی و زیربنایی در تولید طایفه‌گرایی در ممسنی تأثیرگذار هستند.</p>	<p>بنیادهای تولید طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی متشکل از دو عامل زیربنایی و روبنایی است. عامل زیربنایی همان محیط و فضای جغرافیایی ممسنی است که فرهنگ سیاسی عشیره‌ای و محلی در آن استمرار پیدا کرده و بر انتخابات مجلس شورای اسلامی نظیر تقسیم قلمرو جغرافیایی و دفاع از صندوق‌های اخذ رأی تأثیر گذاشته است. عوامل روبنایی در چارچوب اصحاب قدرت، گروه‌های ذی‌نفوذ، ریش سفیدان و بزرگان طوایف، متنفذین محلی، گروه‌های خویشاندی و سایر نیروهای اجتماعی نظیر فرهنگیان، کارمندان اداری، زنان، بازاریان، کشاورزان، فرمانداری و توده مردم در تولید طایفه‌گرایی نقش دارند. از این‌رو، استراتژی‌های مقابله با طایفه‌گرایی عبارتند از: تشکیل کارگروه‌های ضدطایفه‌گرایی در جهت کاهش هیجانات توده، توجه نمایندگان به شایسته‌سالاری به جای ارادت سالاری، اتحاد نامزدها قبل از انتخابات در جهت آرامش و سلامت انتخابات، سوق دادن افکار عمومی به سوی توسعه شهرستان، توسعه متوازن و تخصیص عادلانه منابع بر بنیاد عدالت</p>

		جغرافیایی و انتخاب اندیشه سیاسی همه‌گیر (صادقی و حسینی، ۱۳۹۴: ۲۱-۱۷).
عدم برابری در توزیع عادلانه منابع و امکانات میان طوایف ممسنی و تبعیض میان ساکنان بر بنیاد نگرش طایفه-ای.	مفهوم برابری در متون غربی و اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد و عدم توجه به آن منجر به طایفه‌گرایی می‌شود.	دقت در مفهوم برابری در شهرستان ممسنی حکایت از نقض برابری و اعمال تبعیض ناروا بر اساس رویکردهای طایفه‌سالارانه دارد که متأسفانه نمایندگان ادوار ممسنی خواسته یا ناخواسته نه تنها آن را از بین نبرده‌اند، بلکه شدت بخشیده‌اند. این امر هم با احکام شریعت ناسازگار است و هم نقض صریح قانون اساسی است. توزیع مناصب بر پایه رویکرد طایفه‌گرایانه منکری است که تذکر به پرهیز از آن مبنای شرعی و قانونی دارد. حمایت از تشکلهای مدنی می‌تواند راهگشا باشد (ایزدی، ۱۳۹۴: ۲۹-۲۶).

(تدوین: نگارندگان)

۲-۵. پردازش و بررسی ماهنامه نورباران

جدول ۲. استخراج اطلاعات متن ماهنامه نورباران بر بنیاد سه مرحله اول پدام

سطح - سطح (برداشت از اصل متن)	سطح - عمق (جهت‌گیری و گرایش متن)	عمق - سطح (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن)
شالوده و زیربنای فرهنگ ممسنی بر ستون‌های مستحکمی از تبار و ایل و طایفه شکل گرفته است. مدت‌زمانی بود که حنای تبارگماری رنگ باخته بود و تحصیل‌کرده‌های ممسنی و رستم تار و پود حصار تنگ طایفه را گسسته بودند. ولی این حنا دیگر برای جوانان رنگ و بویی ندارد و باید با چشمانی باز دلسوزترین دانایان را الگو قرار داد. شعار وحدت طوایف سر دادن و عکس آن عمل کردن، سیاستی کج-دار و مریض است که قربانی آن توده نیک‌سرشت هستند. بنابراین، پنج طایفه ممسنی مانند حواس پنج‌گانه انسان هستند که نبود آنها می‌تواند از ابعاد شخصیت آن بکاهد (رستمی، ۱۳۹۰: ۳).	جوانان ممسنی با طایفه‌گرایی مخالف هستند. لذا، باید به صورت عملی به مقابله با طایفه‌گرایی پرداخت و نه صرفاً شعار سر دادن.	استفاده از اندیشه دینی، جهان‌وطنی، از سانیت و از سجام واقعی در جهت نفی طایفه‌گرایی و مقابله با شعارهای ظاهری و سُست عنصر.
افراد یک اجتماع مجبور به زندگی با یکدیگر هستند تا بتوانند حوائج و مشکلات خود را به کمک یکدیگر سر و سامان دهند. درست است که گاهی اتحاد چند طایفه و قبیله امتیازاتی دارد و می‌تواند افراد آن قبایل را از دستبرد و تجاوز بیگانگان نجات داده و جلوی تهاجم اجانب را بگیرند و از طرفی چون افراد قبایل یکدیگر را می‌شناسند، می‌توانند کارها و حوائج یکدیگر را آسان‌تر انجام دهند، ولی این مسئله در شهرستان ممسنی آنچنان حاد و حساس شده که حتی در زندگی عادی افراد نیز تأثیر گذاشته است و عامل ایجاد آن را باید	همکاری افراد در یک اجتماع، راهگشا است، ولی قوم‌گرایی به منافع شخصی می‌انجامد.	طایفه‌گرایی علی‌رغم ایجاب همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی، رقابت خصومت‌آمیز را نیز به همراه دارد.

		<p>از ناحیه افرادی دانست که خود را ولی نعمت مردم می‌دانند (کریمی، ۱۳۹۰: ۳).</p>
<p>عوامل مؤثر بر خلق مشکلات عبارتند از: طایفه‌گرایی، بیکاری، پایین آمدن جایگاه ارزش‌های دینی و غیره.</p>	<p>مهم‌ترین ریشه مشکلات، طایفه‌گرایی به جای شایسته‌سالاری و کم‌رنگ شدن مذهب است.</p>	<p>مردم در مراجعه به ما ریشه مشکلات شهرستان را اینگونه بیان می‌کنند که طایفه‌گرایی جای شایسته‌سالاری را گرفته است و همچنین عقاید، ارزش‌ها و مسائل مذهبی کم‌رنگ شده‌اند. مردم می‌گویند ما اعتقاد داریم که قوانین خوبی وجود دارد، ولی در اجرا و عمل با آن سلیقه‌ای برخورد می‌شود و برخورد سلیقه‌ای باعث شده است تا حیثیت شهرستان در استان مورد خدشه قرار گیرد. من ریشه مشکلات را همین مسائل می‌دانم. البته دیگر مشکلات شهر نظیر بیکاری، سن بالای ازدواج و پایین آمدن ارزش‌های دینی که بنیاد اصلی یک جامعه است را نباید فراموش کرد (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲).</p>
<p>نتیجه محلی‌گرایی عبارت است از نادیده انگاشتن منافع مشترک، حرکت به سوی جدایی خواهی و دشمنی میان گروه‌های قومی.</p>	<p>هویت قومی باعث تعریف "ما" در برابر "دیگران" می‌شود و نخبگان خطر محلی‌گرایی را نادیده می‌انگارند.</p>	<p>آن گروه از نخبگان محلی که ایدئولوژی محلی‌گرایی را مقدم بر بشر تلقی می‌کنند از خطرهای چنین تقدیمی در جامعه ما غافل هستند. زیرا نه تنها بهانه دست حاکمان می‌دهند تا خشونت بیشتری را بکار گیرند و از هر گونه رواداری بپرهیزند، بلکه افراد گروه قومی را در چارچوب طبقاتی و محدوده اجتماع قومی، محلی و زبانی جای داده و قفل دیگری بر زندان سکندر می‌افزایند. این ایدئولوژی تمایزطلبانه، فردگرایی را در ذهن و روح حاکم کرده و راه را به روی دشمنان فرضی می‌گشاید، به گونه‌ای که جایی برای بشردوستی باقی نمی‌ماند و افراد گروه قومی بی هیچ دلیلی گروه قومی دیگر و اعضای آن را دشمن خود تصور می‌کنند. نهایتاً، محلی‌گرایی بی‌اعتنایی به همانندی‌ها، اشتراک منافع و سرنوشت مشترک است. پافشاری برخی از نخبگان محلی‌گرا به تفاوت‌های اغراق‌آمیز یا ساختگی بی‌تردید زاینده بیزاری است (نصیبی، ۱۳۹۱: ۷).</p>
<p>گروه‌های ذی‌نفوذ در تحریک نیروهای اجتماعی به طایفه‌گرایی نقش دارند. حصول به کرسی مجلس توأم با هتک حرمت به دیگران بی‌ارزش است. توزیع عادلانه امکانات و اشتغال‌زایی در مناطق</p>	<p>خشونت ریشه در طایفه‌گرایی دارد. خشونت در انتخابات بیشتر در سطح خرد صورت می‌گیرد تا مقیاس کلان. سه حوزه یعنی پیشینه خشونت‌گرایی، روش جذب رأی و علل شکل‌گیری آن</p>	<p>خشونت در شهرستان ممسنی ریشه در افکار منحط طایفه‌گرایانه و قبیله‌گرایانه دارد. خشونت در انتخابات ممسنی و رستم در دو مقوله قابل بحث است: ۱. انتخابات مجلس شورای اسلامی ۲. انتخابات شوراهای اسلامی. اسباب خشونت به چند دسته تقسیم می‌شوند: ۱. دواطلبین انتخابات، ۲. هواداران انتخاباتی دواطلبین، ۳. مردم به عنوان انتخاب‌کنندگان، ۴. مسئولین. در بحث خشونت سه عامل یعنی پیشینه خشونت‌گرایی، وضعیت موجود و عوامل به وجود آورنده آن حائز اهمیت هستند. بحث خشونت، چندعلتی است و بزرگان در دامن زدن به طایفه‌گرایی به عنوان الیت‌های اجتماعی نقش دارند. در ممسنی، طایفه‌گراترین نیروی سیاسی، آموزش و</p>

<p>مختلف شهرستان پیش‌زمینه ورود سرمایه است. ریشه خشونت، مسئولین هستند.</p>	<p>اهمیت دارند. نخبگان اجتماعی و سیاسی، بزرگان و نامزدها در تحرکات طایفه‌ای نقش دارند.</p>	<p>پرورش است. خود نامزدها نیز به تحریک عصبیت می‌پردازند (هیئت تحریریه نورباران، ۱۳۹۲: ۸-۴).</p>
<p>همگرایی با استفاده از آموزش و درک مسائل راه‌حل جلوگیری از فرار نخبگان و سرمایه گذاران است.</p>	<p>تعدیل خواسته‌های طوایف نقش بسیزایی در ایجاد همگرایی میان آنها دارد.</p>	<p>در برخی مواقع، طوایف از روی اجبار دست به مصالحه می‌زنند. در برخی انتخابات‌ها که طایفه‌ای نامزد ندارد، با چانه‌زنی‌های مختلف با طایفه‌ای دیگر برای کسب قدرت از انتظارات اصلی خود عدول می- کند و با مصالحه سعی دارد که توقعات حداقلی خود را کسب نماید. راه‌حل مناسب و مطلوبی که در شهرستان از آن استفاده نشده، همگرایی است. در این روش طرفین خواسته‌ها و توقعات خود را به روشنی بیان می‌کنند و با مرور و بیان این انتظارات در سازمان‌ها، مدیریت‌ها و مناسبت‌های مختلف شهرستان و با استفاده از همگرایی تقاضاهای کلی قوم جزئی می‌شود و سبیل‌های طایفه‌گرایی با خواسته‌های کلی و مطلوب جامعه تطابق پیدا می‌کند و آمادگی پاسخگویی به طرف مقابل در بستر همگرایی فراهم می‌شود (صادقی، ۱۳۹۲: ۳).</p>
<p>طایفه‌گرایی صرفاً در مسائل سیاسی وجود دارد، نه عرصه اجتماعی.</p>	<p>طایفه‌گرایی در ممسنی از دو فاز مثبت و منفی برخوردار است.</p>	<p>در شهرستان ممسنی، طایفه‌گرایی وجود دارد و وجود خواهد داشت. طایفه‌گرایی اگر در حد و اندازه خود رعایت شود و اگر در مسیر صحیح قرار گیرد، بد نیست. مردم شهرستان در معاملات، مراسمات، دوستی‌ها، شب‌نشینی‌ها و مفارقات کهن و جدید هیچ‌گونه طایفه- گرایی منفی ندارند. فقط تنها جایی که نشانه منفی طایفه‌گرایی وجود دارد، انتخابات مجلس و شورای شهر است (حسنی، ۱۳۹۳: ۳).</p>
<p>طایفه‌گرایی ریشه در ضعف باورهای اخلاقی، کاهش سطح وجدان کاری و فرهنگ و فاداری دارد.</p>	<p>طایفه‌گرایی به عنوان مهلک‌ترین نوع رابطه‌بازی و پارتی‌بازی در استخدام افراد است.</p>	<p>در بین انواع پارتی‌بازی، خویشاوندسالاری و طایفه‌گرایی نوع پارتی- بازی است. مواردی نظیر ضعف باورهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی، کاهش سطح وجدان کاری و انضباط اجتماعی در جامعه، ناهماهنگی میان ارزش‌ها و راه‌های دستیابی به آن، چیرگی روابط بر ضوابط، گسترش و استمرار فساد، ضعف کنترل اجتماعی و وجود فرهنگ وفاداری درون‌سازمانی مهم‌ترین دلایل پارتی‌بازی و طایفه‌گرایی هستند. عواملی نظیر رودربایستی یا عدم شفافیت فرهنگی و عدم قاطعیت باعث عدم برخورد با متخلفین می‌شود (هیئت تحریریه نورباران، ۱۳۹۲: ۴).</p>
<p>طایفه‌گرایی در انتخابات با هدف دستیابی به منافع</p>	<p>مبنای انتخاب رأی‌دهندگان در حوزه انتخاباتی</p>	<p>شهرستان ممسنی از جمله شهرستان‌های استان فارس است که تحت تأثیر مناسبات زندگی ایلی - عشیره‌ای قرار داشته است. از رهگذر چنین مناسباتی، الگوی رفتار انتخاباتی در این شهرستان،</p>

<p>محدود و توسعه قلمرو جغرافیایی خاص صورت می‌گیرد.</p>	<p>ممسنی، قلمرو جغرافیایی و زادگاه نامزدها است.</p>	<p>کارکردی طایفه‌محور دارد. رفتارشناسی افراد در روند انتخابات در این شهرستان نشان می‌دهد که افراد در یک بستر سیاسی - جغرافیایی بر پایه طایفه، خود را بازگو می‌کنند و هر طایفه و حوزه انتخاباتی از نامزدی حمایت می‌نمایند که "خودی" یا به عبارتی از اعضای طایفه و قلمرو جغرافیایی موردنظرشان باشد. در این شهرستان انتخاب یک نماینده مبتنی بر نیازی است که رأی-دهندگان در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند. این نیازها به شدت در محدوده تقاضای محلی و نه عمومی و ملی خلاصه می‌شوند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲).</p>
<p>طایفه‌گرایی در ممسنی امری نهادینه است و منجر به اعمال فشار بر نمایندگان به منظور اهداف و منافع محدود گروه‌های طایفه‌ای می‌شود.</p>	<p>ممسنی یک جامعه مکانیک و مبتنی بر املاک و دارایی در چارچوب مرزهای طایفه‌ای است و الزامات خود را بر نماینده تحمیل می‌کند.</p>	<p>شهرستان ممسنی به دلیل اینکه یک جامعه مکانیکی است، به زمین وابسته است. به همین دلیل به دور طایفه، قوم و زمین حصار کشیده است و می‌گوییم اینجا جاوید است. در چنین جوامعی، طایفه حکم حزب را دارد. من در تهران تحصیل کرده‌ام و از سال ۱۳۶۶ در ممسنی نبوده‌ام و در هیچ انتخاباتی هم در ممسنی شرکت نکرده‌ام. آمده‌ام و اینجا طایفه الزامات خودش را بر من تحمیل می‌کند و چاره‌ای ندارم و هیچ کدام از شماها هم چاره‌ای نخواهید داشت و هر کدام از شما هم که جای من باشید، این رفتارها از شما سرخواهد زد (شفیعی، ۱۳۹۳: ۵).</p>
<p>طایفه‌گرایی منجر به واگرایی میان افراد و گروه‌ها و عدم توسعه‌یافتگی می‌شود.</p>	<p>خویشاوندگرایی منجر به تحمیل افکار کاذب به ذهن افراد می‌شود.</p>	<p>خویشاوندگرایی به عنوان مهمترین مصیبت در راه توسعه و فرهنگ و ایجاد آینده‌ای روشن و واحد است. خویشاوندگرایی یا همان طایفه‌گرایی نتیجه‌ای جز تحمیل افکاری کاذب در ذهن افراد یک جامعه ندارد. تأثیر طایفه‌گرایی بر افکار یک جامعه بینش‌ها را به سمتی هدایت می‌کند که انجام کارها و امور اداری و بهره‌مندی از امتیازات اجتماعی وابسته به حضور یکی از اقوام یا هم‌طایفه خود در آن قسمت است (هیئت تحریریه نورباران، ۱۳۹۳: ۸).</p>
<p>پیامد طایفه‌گرایی، محرومیت شهرستان و عدم استفاده از نخبگان است.</p>	<p>طایفه‌گرایی در انتخابات، قُرُق صندوق‌ها و عقب‌ماندگی را به همراه دارد.</p>	<p>مردم ماهر میلانی از مسئله طایفه‌گرایی رنج می‌برند. بسیاری از مناطق شهرستان به دلیل فضای طایفه‌گرایی در محرومیت باقی مانده‌اند و رسیدگی چندانی نمی‌شود. اوج طایفه‌گرایی در شهرستان مربوط به زمان انتخابات است که نتیجه‌ای جز زد و خورد و قُرُق صندوق‌ها ندارد. کوتاهی بسیار زیاد است و با خسارات طایفه‌گرایی آشنا هستم و نخبگان به دلیل طایفه‌گرایی نباید خود را عقب بکشند و نباید تسلیم شوند. حضور نخبگان در جامعه لازم است (مهدی-پور، ۱۳۹۳: ۲).</p>
<p>توزیع ناعادلانه منابع و امکانات در</p>	<p>طایفه‌گرایی مانع از پیشرفت و توسعه</p>	<p>منطقه دشمن‌زبانی از مستعدترین مناطق گردشگری ممسنی است که پتانسیل زیادی برای سرمایه‌گذاری دارد. این منطقه محروم‌ترین</p>

منطقه ممسنی است که از بسیاری امکانات اولیه زندگی محروم است. ۹۰ درصد روستاهای دشمن‌زبانی عملاً از دکتر تمام‌وقت در ایام هفته در درمانگاه‌ها محروم هستند (پارسا، ۱۳۹۳: ۳).	بخش دشمن‌زبانی شده است.	بخش دشمن‌زبانی نشأت گرفته از طایفه‌گرایی است.
--	-------------------------	---

(تدوین: نگارندگان)

۵-۳. سطح تحلیل عمیق

فصلنامه فراسو با انتشار مطالب نویسندگان منتقد طایفه‌گرایی در پی ارائه سیمایی بی‌طرفانه از خود در رقابت‌های انتخاباتی بوده است تا رسالت خویش مبنی بر ایجاد روشنگری در میان توده مردم را حفظ نماید. پرونده ویژه در زمینه طایفه‌گرایی در بحبوحه انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۴ بیانگر دغدغه فصلنامه فراسو به منظور ارائه راهکار در تقابل با گرایش‌های طایفه‌ای بوده است. این نوع نگاه ریشه در متون مندرج در شماره‌های قبلی فصلنامه فراسو دارد که محققین این مجله در مسائل فرهنگی و اجتماعی به توصیف و تحلیل طایفه‌گرایی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن پرداخته‌اند. برگزیدن روش مصاحبه توسط این فصلنامه در جهت بیان عقاید و راهبردهای اصحاب قدرت، متولیان اجرایی شهرستان، نیروهای اجتماعی و متنفذین محلی در زمینه طایفه‌گرایی صورت گرفته است. از این‌رو، طایفه‌گرایی به عنوان مانعی اساسی در مسیر توسعه شهرستان ممسنی انگاشته شده است و هیئت تحریریه فراسو با تمرکز بر این موضوع به دنبال توصیف وضع موجود و راهکار برون‌رفت از آن بوده است. با وجود این، ادبیات ژورنالی حاکم بر بخش‌هایی از قلم نویسندگان این فصلنامه و تخصیص بخش زیادی از حجم فصلنامه به چارچوب نظری و مسائل حاشیه‌ای مانع از تحلیل عمیق در زمینه طایفه‌گرایی شده است. از سوی دیگر، نشریه نورباران نیز همانند فراسو به دنبال نفی طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی بوده است. با این تفاوت که تأکید و استناد به گفتمان و ارزش‌های دینی در زمینه طایفه‌گرایی در ماهنامه نورباران بیشتر از فصلنامه فراسو به چشم می‌خورد که می‌توان آن را نشأت گرفته از جهان‌بینی متفاوت هیئت تحریریه آنها (اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی) دانست. مصاحبه نشریه نورباران با نمایندگان و نامزدهای ادوار مختلف حوزه انتخابیه ممسنی بیانگر تلاش این ماهنامه در جهت تضعیف طایفه‌گرایی و کاهش خشونت در انتخابات است. تأکید ماهنامه نورباران بر صف‌بندی‌های طایفه‌ای در چارچوب گفتمان "خود" و "دیگری" و اهداف کوتاه‌مدت گروه‌های ذی‌نفوذ در سوءاستفاده از ارزش‌های طایفه‌ای و خویشاوندی و به تبع آن ضعف یا عدم تخصیص عادلانه بودجه و امکانات به تمامی مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی ممسنی از جمله مصادیق این رویکرد هستند. از این‌رو، ماهنامه نورباران به دنبال اثبات رویکرد بی‌طرفانه خود در مسائل محلی و طایفه‌ای بوده است.

۵-۴. سطح تحلیل عمیق‌تر

فصلنامه فراسو با انتشار مطالب ضدطایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در پی اثبات رویکرد دگراندیشی خود در زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی است. این فصلنامه در چاپ متون پیرامون نفی طایفه‌گرایی کامیاب بوده است، اما در برخی مواقع در انجام مصاحبه به نخبگان مقیم پایتخت روی آورده است که طی سالیان زیاد از فرهنگ بومی شهرستان فاصله گرفته‌اند. اگرچه چنین نخبگانی از ایده‌های نو و شگرفی برخوردارند، ولی فرصت لازم به منظور مصاحبه با نخبگان متخصص طایفه‌گرایی و پژوهشگران این عرصه از دست رفته است. در واقع، فصلنامه فراسو به دلیل گرایش‌های اصلاح‌طلبی خود بیشتر به مصاحبه هدفمند با نخبگان همسو (اصلاح‌طلب) پرداخته که بیشتر ذهنیتی معطوف به سطح تحلیل کلان و ملی دارند. با وجود این، مصاحبه با برخی نخبگان بومی و مستقر در شهرستان نیز در دستور کار هیأت تحریریه فراسو قرار گرفته و مطالب ارزنده‌ای را در زمینه پیشینه طایفه‌گرایی ارائه کرده است.

از طرف دیگر، ماهنامه نورباران پیوسته در جستجوی اثبات بی‌طرفی خود در زمینه طایفه‌گرایی بوده است. این نشریه به دلیل وابستگی به کارگزاران ناگزیر از بیان خدمات عمرانی نماینده وقت در اقصی نقاط جغرافیایی ممسنی بوده است. انتشار مطالبی در نفی طایفه‌گرایی، انگشت اتهام و برجسب طایفه‌گرایی را از این ماهنامه دور ساخته و ذهنیت توده را به سوی توصیف صرف مسائل فرهنگی و اقتصادی شهرستان سوق داده است. با وجود این، تمجید و ستایش خدمات عمرانی نماینده وقت و انتشار نظرات افرادی که به نگارش نقطه‌نظرات خود (کامنت) در تقابل با سایر نامزدها و نمایندگان پرداخته‌اند، به نوعی رویکرد طایفه‌ای را برجسته نشان می‌دهد. در مجموع، علی‌رغم کاستی‌ها و نقاط ضعف بنیادین متون مندرج در فصلنامه فراسو و ماهنامه نورباران، کوششی در جهت روشنگری میان توده مردم و تقابل با طایفه‌گرایی بوده اند.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی رویکردهای فصلنامه فراسو و ماهنامه نورباران با استفاده از سه سطح تحلیل پدام و روش بشیر بیانگر این است که نتایج مشابهی میان این دو نشریه وجود دارد. در روش بشیر تفکیک لایه‌های زیرین و نهانی این نشریه‌ها صورت گرفته است که به دلیل برخورداری از مرحله «عمیق‌تر» بسیار جامع است. بر این پایه، گفتمان غالب بر هر دو نشریه مبتنی بر «تقابل با طایفه‌گرایی در انتخابات» بوده است. انگاره‌های خلق شده توسط هر یک از این نشریات نیز مبین اهتمام آنها به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر طایفه‌گرایی، بسترهای ایجاد و راهکارهایی برای مقابله با آن است. هرچند رویکرد ژورنالی حاکم بر متن این نشریه‌ها آنها را از بیان علمی مسائل دور ساخته، ولی قلم ساده نگارندگان و جذابیت متن برای خوانندگان تأثیر بسزایی در تقابل با طایفه‌گرایی

داشته است. به‌رغم کاستی‌های موجود در این نشریات، زمینه لازم به منظور ارائه آثار پژوهشی نسبتاً وجود دارد، زیرا هر یک از کلیدواژگان موجود در متون، بیانگر معضلات و مشکلات اساسی در شهرستان ممسنی است که ریشه در طایفه‌گرایی داشته است. در مجموع، مقایسه ۱۳ متن از فصلنامه فراسو و ۱۳ متن از ماهنامه نورباران نشان می‌دهد که انگاره «تقابل با طایفه‌گرایی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» در دستورکار این نشریه‌ها قرار داشته است. از این حیث، آنها توانسته‌اند پیامدهای ناشی از طایفه‌گرایی در بخش‌ها و عرصه‌های مختلف را مشخص سازند.

جدول ۳. انگاره‌های خلق شده در متون فصلنامه فراسو و ماهنامه نورباران

فصلنامه فراسو	ماهنامه نورباران
۱. طایفه‌گرایی، خشونت و درگیری در حوزه انتخابیه ممسنی	۱. طایفه‌گرایی ظاهراً مسالمت‌آمیز، ولی سرشار از ماهیتی رقابت‌آمیز
۲. بازساخت فرهنگ ایلی - عشیره‌ای در عصر جدید	۲. آموزش در جهت همگرایی و مقابله با بازساخت طایفه‌ای
۳. نقش فعال نیروهای اجتماعی و گروه‌های ذی‌نفوذ در طایفه‌گرایی	۳. نقش‌آفرینی گروه‌های ذی‌نفوذ در طایفه‌گرایی
۴. ضعف توجه به شایسته‌سالاری در برگزیدن نامزدها و نخبگان	۴. محرومیت شهرستان به دلیل طایفه‌گرایی و عدم استفاده از نخبگان
۵. همگرایی طایفه‌ای در عرصه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای در سپهر سیاست	۵. طایفه‌گرایی در عرصه سیاسی است، نه اجتماعی
۶. نقض حقوق شهروندی در شهرستان ممسنی به واسطه طایفه‌گرایی	۶. فشار بر نمایندگان به منظور برآورده ساختن خواسته‌های محدود افراد
۷. کالبد مدرن و شهری ممسنی، ولی دارای ماهیت طایفه‌ای	۷. توسعه کالبدی مناطق وابسته به نمایندگان و اصحاب قدرت
۸. تبعیض در میان مناطق مختلف شهرستان ممسنی به دلیل توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت از سوی اصحاب قدرت	۸. تبعیض به دلیل توزیع ناعادلانه منابع و امکانات میان بخش‌های مختلف شهرستان ممسنی

(منبع: نگارندگان)

پیشنهادها

با توجه به تأثیر فرهنگ طایفه‌ای بر الگوی رفتاری شهروندان ممسنی، پیشنهاد می‌گردد که اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ممسنی با تخصیص بودجه به نشریات محلی نظیر فصلنامه فراسو، ماهنامه نورباران و سایر نشریاتی که در حوزه فرهنگی و اجتماعی شهرستان فعالیت می‌نمایند، به انتشار مطالب علمی در مقابله با طایفه‌گرایی بپردازد. علاوه بر این، فرمانداری شهرستان

ممسنی با حمایت‌های لازم از نشریات محلی (اعطای لوح تقدیر و جوایز به سردبیر نشریات و نویسندگان برتر) زمینه را برای افزایش آگاهی‌های توده مردم در رابطه با پیامدهای منفی طایفه-گرایی به ویژه در کارزارهای انتخاباتی فراهم نماید. بهره‌گیری از نخبگان بومی ممسنی به منظور نگارش آثار علمی در نشریات محلی می‌تواند راهگشا باشد.

قدردانی

نویسندگان مراتب قدردانی را از «سازمان چاپ و نشر ایران» به عنوان ویراستار این مقاله به عمل می‌آورند.

منابع

- احمدی، محسن (۱۳۹۴). «متنفذین ذی‌نفع با هویتی گسسته: عوامل و شرایط مؤثر بر طایفه‌گرایی و نقش معتمدین و متنفذین طایفه‌ای»، *فصلنامه فراسو*، ۸ (۲۷-۲۸): ۱۴-۱۲.
- ایزدی، سلمان (۱۳۹۴). «منکر طایفه‌گرایی علیه معروف برابری»، *فصلنامه فراسو*، ۸ (۲۷-۲۸): ۲۶-۲۹.
- بشیر، حسن؛ و حسنلو، مسعود (۱۳۹۴). «پرونده هسته‌ای ایران و اعتمادسازی برای دولت آمریکا: تحلیل صفحه سخنگوی وزارت امور خارجه در فیس‌بوک»، *فصلنامه دانش سیاسی*، ۱۱ (۱): ۱۱۲-۸۹.
- پارسا، محمد (۱۳۹۳). «محرومیت دشمن‌زبانی نتیجه کم‌کاری یا طایفه‌گرایی»، *ماهنامه نورباران*، ۳: (۵۹).
- دارابی، علی (۱۳۸۸). *رفتار انتخاباتی در ایران؛ الگوها و نظریه‌ها*. تهران: سروش.
- چوبینه، هومان (۱۳۸۷). «نقدی بر فرهنگ طوایفی گذشته و اثرات آن در جامعه امروزی»، *فصلنامه فراسو*، ۱ (۲): ۴۷.
- حسنی، لطف‌الله (۱۳۹۳). «طایفه‌گرایی خوب یا بد و راه‌های برون‌رفت از آن»، *ماهنامه نورباران*، ۳: (۹۳).
- حسنی‌فر، عبدالرحمن و امیری‌پریان، فاطمه (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان به مثابه روش»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۵ (۱): ۴۹-۶۷.
- دولت‌آبادی، علی (۱۳۸۷). «انتخابات ممسنی؛ میدان طایفه‌سالاری یا مردم‌سالاری؟!»، *فصلنامه فراسو*، ۱ (۱): ۳۵.
- رحمانی، زواره (۱۳۸۸). «طایفه‌سالاری یا شایسته‌سالاری»، *فصلنامه فراسو*، ۲ (۵): ۵.
- رحمانی، مهدی (۱۳۹۱). «طایفه‌گرایی جای شایسته‌سالاری را گرفته است»، *ماهنامه نورباران*، ۲: (۸).
- رزمجو، کاوه (۱۳۹۴). «گذار از اجتماع به جامعه: کلید درک طایفه‌گرایی در انتخابات»، *فصلنامه فراسو*، ۸ (۲۷-۲۸): ۱۶-۱۵.
- رزمجویی، محمدکرم (۱۳۸۸). «طایفه‌گرایی و انتخابات»، *فصلنامه فراسو*، ۲ (۵): ۹-۸.
- رستمی، سید محمدرضا (۱۳۹۰). «از طایفه‌گرایی تا سیاست‌مداری»، *ماهنامه نورباران*، ۳: (۳).
- رومینا، ابراهیم و صادقی، وحید (۱۳۹۴). «بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۱ (۳): ۸۴-۱۱۶.
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۳). «طایفه الزامات خودش را بر من تحمیل می‌کند و چاره‌ای هم ندارم»، *ماهنامه نورباران*، ۵: (۵۵).
- صادقی، احد (۱۳۹۲). «همگرایی راه حل گذار از طایفه‌گرایی»، *ماهنامه نورباران*، ۳: (۱۶): ۳.

- صادقی، وحید (۱۳۹۳). «طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی از منظر جغرافیای انتخابات»، *ماهنامه نوریاران*، (۵۱): ۱۲.
- صادقی، وحید (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی دهی، مطالعه موردی شهرستان نورآباد ممسنی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، گروه جغرافیای سیاسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.*
- صادقی، وحید و حسینی، سید محمد حسین (۱۳۹۴). «سرچشمه‌های تولید طایفه‌گرایی در ممسنی: استراتژی مقابله با آن»، *فصلنامه فراسو، سال ۸ (۲۷-۲۸): ۲۱-۱۷.*
- صفری، رهام (۱۳۹۳). «طایفه‌های درون‌قومی و آسیب‌شناسی انتخابات در شهرهای کوچک»، *فصلنامه فراسو، ۷ (۲۱-۲۲): ۲۴-۲۳.*
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۲). *جغرافیای انتخابات، با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری. تهران: خوارزمی.*
- کلانتری، صمد، عباس‌زاده، محمد، سعادت‌ی، موسی، پورمحمد، رعنا و محمدپور، نیر (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی، ۱ (۴): ۲۸-۷.*
- کرمی، کامران (۱۳۸۷). «بن‌بست‌های طایفه‌ای و عشیره‌ای در ممسنی»، *فصلنامه فراسو، ۱ (۱): ۱۲-۴.*
- کریمی، علی‌کرم (۱۳۹۰). «مشکلات قوم‌گرایی»، *ماهنامه نوریاران، (۳): ۳.*
- کیانی، خسرو (۱۳۸۸). «طایفه‌گرایی»، *فصلنامه فراسو، ۲ (۵): ۱۰.*
- لشکری، سهراب (۱۳۸۸). «مشکلات ناشی از تعارضات قومی در ممسنی»، *فصلنامه فراسو، ۲ (۵): ۷.*
- منوچهری، عباس (۱۳۹۲). *رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: سمت.*
- مهدی‌پور، عقیل (۱۳۹۳). «مردم ماهور از مسئله طایفه‌گرایی رنج می‌برند»، *ماهنامه نوریاران، ۲ (۵۹): ۲.*
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۴). «حرکت از جریان فکری به سوی محلی‌گرایی»، *فصلنامه فراسو، ۸ (۲۸-۲۷): ۱۱-۷.*
- مرکز آمار ایران درگاه ملی آمار، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵). *جدول جمعیت و خانوار به ترتیب استان و شهرستان. قابل دسترس در آدرس اینترنتی: <https://www.amar.org.ir>*
- نصیبی، امید (۱۳۹۱). «طایفه‌گرایی مانعی در راه توسعه و نوسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی»، *ماهنامه نوریاران، (۹): ۷.*
- ویسی، هادی (۱۳۹۴). *مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی. تهران: سمت.*

- هیئت تحریریه نوریاران (۱۳۹۲). «طایفه‌گرایی مهلک‌ترین نوع پارتی‌بازی و رابطه‌بازی است»، *ماهنامه نوریاران*، (۳۳): ۴.
- هیئت تحریریه نوریاران (۱۳۹۳). «طایفه‌گرایی به طایفه‌گرایان هم پشت می‌کند»، *ماهنامه نوریاران*، (۵۵): ۸.
- هیئت تحریریه نوریاران (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی و چرایی خشونت در انتخابات‌های ممسنی با حضور نامزدهای انتخابات مجلس نهم»، *ماهنامه نوریاران*، (۱۴-۱۵): ۴-۸.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
- Davarpanah, Hormoz (2006). *English for the Students of political Science*. Tehran: Samt.
- Drid, Thouria (2010). *Discourse Analysis: Key Concepts and Prospective*. University of Ouargala.